



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: علم به محاذاة/قبله

بچثمان در عبارت صاحب عروه بود که فرمودند: «يعتبر العلم بالمحاذاة مع الإمكان، ومع عدمه يرجع إلى العلامات والأمارات المفيدة للظن. وفي كفاية شهادة العدلين (شهادات عن حس لا عن حدس) مع إمكان تحصیل العلم إشکال، ومع عدمه لا بأس بالتعويل عليها إن لم يكن اجتهاده على خلافها، وإلا فالأحوط تكرار الصلاة. ومع عدم إمكان تحصیل الظن يصلي إلى أربع جهات إن وسع الوقت وإلا فيتخير بينها.»

چند مطلب در اینجا وجود دارد که به عرض محترم خواهیم رساند؛ مطلب اول اینکه در جواهر جلد ۷ صفحه ۴۰۵ بحث شده که آیا شناخت قبله واجب کفائی است یا واجب عینی؟ از این قبیل مسائل زیاد داریم مانند بحث وطن که شرط قصد وطن دائمی چیست و یا بحث تیمم که آیا مراد از صعید مطلق وجه الارض است یا صعید به خاک گفته می شود یا مانند بحث غنا، خلاصه ما موضوعاتی داریم که تحقیق و تبیین آن به عهده فقهاء می باشد و در مانحن فیه نیز با توجه به مباحثی که انجام شد شناخت قبله نمی تواند واجب عینی باشد بلکه شناختش واجب کفائی می باشد و باید از افراد متخصص پرسیده شود و در اصل موضوع تقلید شود.

مطلب دوم اینکه دیروز گفتیم آقای بروجردی در تبیان الصلاة فرمودند در باب ۶ و ۸ از ابواب قبله سه دسته

روایات ذکر شده: «اعلم أنّ روایات الواردة في المقام على طوائف ثلاثة:

ما رواها زرارة "قال: قال أبو جعفر عليه السلام: يجزى التحرى أبدا إذا لم يعلم أين وجه القبلة".

الطائفة الثانية: ما رواها زرارة و محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام "ثم إنه قال: يجزى المتحير أبدا أينما توجه إذا لم يعلم أين وجه القبلة".

ما رواها زرارة "قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قبلة المتحير، فقال: يصلى حيث يشاء".

الطائفة الثالثة: ما رواها محمد بن علي بن الحسين عليهم السلام قال: "روى فيمن لا يهتدى إلى القبلة في مفازة الله يصلى إلى أربعة جوانب" .

در اینجا فقهاء ما اختلاف نظر دارند، آیت الله بروجردی از نظر سند همه روایات را قابل عمل دانسته و فرموده اگر ضعیف هم باشند مشهور به آنها عمل کرده و از نظر دلالت نیز سعی کرده بین این روایات جمع دلالی کند اما آیت الله خوئی طبق مبنای خودش از نظر سند چندتا از این اخبار را رد کرده و بعد با توجه به اخباری که سندا مشکلی ندارند فرموده یک نماز برای متحیر کافی می باشد، البته بحثهایی در اینجا وجود دارد و بنده نیز حرفی دارم که بعدا عرض خواهیم کرد.

بحث امروز ما این است که بعد از آن بحثهایی که در مورد شناخت قبله از تحفة الأجلة بیان شد و طریق شناخت قطعی و علمی قبله را فهمیدیم یا به عبارت دیگر با وجود راه علمی و شناخت قطعی قبله دیگر نیازی به این مباحث که اگر علم نشد به ظن با اقسامی عمل کنید نداریم و بعلاوه الان تجهیزاتی داریم که با آنها به راحتی قبله مشخص می شود بنابراین وقتی علم به

۱ عروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج ۲، ص ۲۹۷، ط جامعة المدرسين (المحشی).

۲ تبیان الصلاة، آیت الله بروجردی، ج ۳، ص ۱۴۵.

شناخت قبله ذکر شده که مربوط به همان زمان بوده و در حال حاضر که مثلاً تحفة الأجلة نوشته شده و یا علم پیشرفت کرده و ابزار و لوازماتی بوجود آمده که به راحتی می توان قبله را شناخت دیگر نوبت به ظن و اقسام آن و مباحث دیگر نمی رسد.
بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله
علی محمد و آله الطاهیرین

حدی پیشرفت کرد که به راحتی با ابزار و لوازمات خاصی توانستیم علم به قبله پیدا کنیم دیگر جای ظن و یا به چهار جهت نماز خواندن و امثال این مباحث نیست.

صاحب جواهر چند مطلب دارد من جمله اینکه می فرماید اگر بین ما دل علی الاجتهاد و شهادت عدلین تعارض واقع شد در این صورت اگر شهادت عدلین عن حس باشد مقدم است. اگر بین اجتهاد و فعل مسلمین مثل دفن اموات در قبرستان تعارض واقع شد فعل مسلمین مقدم است. اگر قواعد علم هیئت با بنای مسلمانان تعارض کند بنای مسلمانان مقدم است. اگر کفار قواعد علم هیئت را برای ما بیان کنند نباید بپذیریم زیرا آیه شریفه می فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ یعنی به ظالمین و کفار ركون و اعتماد نکنید، ما عرض می کنیم که ركون به ظالم این است که اصطلاحاً جاده او را صاف کنیم و به او کمک کنیم و کارهای او را انجام بدهیم و به او اعتماد کنیم و او را سرمشق خودمان قرار بدهیم اما اگر فرضاً کفار در علمی تخصص داشتند مثلاً در طب می توانیم از باب رجوع به کارشناس از علم او استفاده کنیم و همچنین می توانیم به قول علمی و نظر تخصصی او اعتماد کنیم مثلاً وقتی آیت الله بروجردی مریض بود شاه علیه اللعنة از فرانسه برای ایشان طبیب آورد، بالاخره صاحب جواهر حتی می فرماید قول مرثه را در شناساندن قبله قبول نکنید، علی ای حال صاحب جواهر چنین مباحثی را مطرح کرده که ما فهرست وار خدمتان عرض کردیم و اما باید توجه داشته باشیم که در همین جواهر یا عروه یا کتب دیگر فروعاتی در مورد

۲ سوره هود، آیه ۱۱۳.